

به نام نامی مورگانا

با سلام. ممنون ازت که دعوتم رو قبول کردی گلرت جان! خب، به عنوان سوال اول... خودت رو برای بچه ها معرفی کن. اسم، سن، محل زندگی، تحصیلات و این صحبت ها.. سلام.

ممنون که دعوتم کردید.

وحید هاشمی هستم. بیست ساله. متولد آبادان. ساکن بوشهر. دانشجوی کارشناسی رشته‌ی ریاضیات و کاربردها دانشگاه خلیج فارس بوشهر.

خب وحید جان، چطوری با جادوگران آشنا شدی؟

داستانش یکم طولانیه... من وقتی دوم راهنمایی بودم، یه مجموعه کتاب پی‌دی‌اف به اسم کتابخونه گرفتم که توش ترجمه‌های کتاب‌های هری پاتر هم بود و اون ترجمه‌ها توسط سایت جادوگران انجام شده بودن. اونجا اولین بار اسم جادوگران رو شنیدم. سال سوم راهنمایی داشتم یه مجله رو میخوندم که یه مطلب در مورد سایت هری پاتری جادوگران توش دیدم. از سر کنجکاوی وارد سایت شدم، یه اکانت درست کردم و اولین جابیش رو که اون موقع زیر و رو کردم فرهنگنامه بود. بعدش رفتم سراغ گالری عکس ها اما متوجه ایفا نشدم که عضو ش بشم.

این جریان آشناییم بود. اما جریان عضویتم توی ایفای نقش چیز دیگه‌اس. سال نود یا نود و یک بود به نظرم که یادم افتاد یه همچین سایتی بود. دنبالش گشتم و وقتی پیداش کردم، برای اولین بار عضو ایفا شدم.

جو سایت اوایل عضویت چطور بود؟ منظورم اینه که مشکلات اصلی و مشغله فکری و ذهنی اعضا توی اون ساله که عضو سایت شدی چه بود؟

درست یادم نمیاد. راستش من زیاد عضو فعالی نبودم. همیشه بودم ولی اونقدرها فعال نبودم که بلاکهای ایفا رو بترکونم؛ با این حال اعضا خیلی با من خوب بودن. هم اعضای محفل ققنوس و هم اعضای ریونکلاو. اون اوایل مشغله‌ی اصلی خود من، رقابت با فلور دلاکور بود که به نظرم توی تالار خصوصی ریونکلاو همه ازش مطلع بودن.

اولین رولت که میشه نمایشنامه ات رو یادت میاد؟ برای بار اول تایید شدی یا اینکه نتونستی پست قابل قبولی رو برای بار اول بنویسی؟

کاملاً به خاطر دارمش. زمان عضویت ما، قبل از ورود به ایفا هم باید توی بازی با کلمات پست میزدی و هم توی کارگاه نمایشنامه نویسی. خوب یادمه که زیر پستم توی هر دوی اینها، بدون هیچ توضیحی فقط یه چیز نوشته شده بود: 'تایید شد.'

قبل از جادوگران ایفای دیگری رو هم تجربه کرده بودی؟ بعد از عضویت توی جادو چی؟

قبل از جادوگران نه اما بعدش توی چندتا ایفای نقش شرکت کردم اما در حال حاضر فقط توی جادوگران فعالیت دارم.

درباره ی شناسه هات بگو برای خواننده های علاقه مند. اولین بار که لیست رو نگاه کردی، چه شخصیتی رو دوست داشتی برداری ولی شناسه اش توی ایفا فعالیت میکرد و آزاد نبود؟

شاید واسه بعضی ها عجیب باشه ولی من از همون اول عاشق پروفیسور اسنیپ بودم. البته منظورم از "از همون اول"، از پایان کتاب اوله. متأسفانه یا خوشبختانه، اون زمان که من میخواسم عضو ایفا بشم، شناسه ی اسنیپ فعال بود و من مجبور شدم یکی دیگه رو بردارم. توی لیست شخصیتها دنبال یه شخصیت بی طرف که توی جادوی سیاه مهارت داشته باشه گشتم و اینجوری گلرت گریندل والد رو پیدا کردم.

چرا گلرت گریندلوالد؟ چه چیزی توی گلرت گریندلوالد دیدی که این شخصیت رو انتخاب کردی؟ یا اصن چیزی دیدی توی این شخصیت یا اینکه همینجوری گرفتی بین چیه میشه؟ دی

اولش چیز خاصی ندیدم توش ولی قبل از برداشتن نقشش رفتم یکم بیشتر در موردش خوندم و اونجا بود که فهمیدم این پیرمرد خود خودش!

خیله از بچه ها درباره ی علاقه ی زیادت به ریونکلاو (در حاشیه میپرسم، ریونکلاو یا راونکلاو؟ ☺) پرسیدن! چرا ریون؟

/reivn klc:/ با توجه به این تلفظ، از نظر من هیچ کدوم. ریونکلا! دی

راستش من از اون آدمایی هستم که خیلی حس باهوش بودن دارن. واسه همین از همون اول کار فقط دوس داشتم برم ریونکلاو. اما الان دلیل موندنم توی ریون چیز دیگه‌ایه. الان ریون خونه‌ی منه و هیچ جا خونه‌ی خود آدم نمیشه...

چه شد به فکر تغییر شناسه افتادی؟ از گلرت گریندلوالد خسته شدی بودی یا اینکه ایده ی خاصه توی سرت پرورش میدادی؟ و سواله که برای منم پیش اومد... چرا گلرت اگین؟ فرقیشون زیاد خاص نیست. به شخصه با ایفای "گریندلوالد" بیشتر حال کردم تا با "پرودفوت" خودت بگو چرا گلرت پرودفوت؟

راستش من وقتی عضو ایفا شدم، میخواسم نقش یه پیرمرد فسیل ماقبل تاریخ رو بهش بدم که از نظر دانش و اینا خیلی چیزها سرش میشه. این ابتدایی ترین دید من از گلرت بود. بعدها لودو بگمن یه خاصیت ایفایی رو به گلرت داد که نتونستم از گلرت جداش کنم. واسه همین گلرت توی بعضی پست‌های طنز، کمی علایق دامبلی پیدا کرد. در نهایت با کمک ویولت بودلر، شخصیت پردازی گلرت کامل شد و اون پیرمرد تنبل و همیشه خسته به همراه اون موجود کوچک همراهش (داکسی) به ایفای نقش من اضافه شدن. بعد از یه مدت ایده‌ی یه شخصیت جدید توی ذهنم اومد. میخواسم شخصیت خودم رو خلق کنم ولی به خاطر اینکه وابستگی خاصی به اسم 'گلرت' پیدا کرده بودم، نتونستم اسمش رو تغییر بدم. توی این مدت یه حس خاصی بهش پیدا کرده بودم. یه جورایی به عنوان اسم واقعی دوم خودم می‌دیدمش... اول خواستم اسمش رو گلرت گریندل والد دوم بذارم ولی ایده‌ی زیاد جالبی نبود. اسم فامیلی پرودفوت رو بین کاراگاه‌هایی که توی هاگزمید به همراه نیمفادورا تانکس قرار داشتن پیدا کردم ولی گلرت رو به عنوان نماینده ی دورمسترانگ (همون پسر بدون نامی که پرنده‌ی آتشین دورمسترانگ رو به پرواز در آورد). انتخاب کردم. اینجوری گلرت پرودفوت متولد شد. من کلی ایده واسه پرودفوت دارم ولی به خاطر برخی مشکلات نمیتونم زیاد رول بزنم و به همین دلیل شخصیتش اونجوری که باید توی ایفا جا نیوفتاده.

تا به حال به این فکر افتادی که شناسه دیگه رو انتخاب کنی؟ مثلاً شناسه ی یک جنس مخالف! بیشتر بگم مثلاً هرمیون گرینجر: دی

اینجور نیست که تا حالا ایفای نقش یه دختر رو انجام نداده باشم ولی ایفای نقش یه پسر رو ترجیح میدم. تا حالا توی جادوگران به برداشتن نقش یه دختر فکر نکرده بودم. و اگر قرار باشه دیگه گلرت (پرودفوت یا گریندل والد) نباشم، اسنپ رو ترجیح میدم.

از بحث شناسه ها بگذریم میرسیم به بحث شیرین کتاب و فیلم. اینجوری که گفته میشه بیشتر بچه ها به ترتیب کتاب رو نخوندن. تو چیه؟ تو از کتاب اول شروع کردی یا اینکه از کتاب های دیگه؟ اول کتاب ها رو خوندی و بعد فیلم ها رو دیدی یا اینکه اول فیلم ها رو دیدی و بعد کنجکاو شدی تا کتاب رو بخونی؟

راستش من اول از کتابها شروع کردم و قبل از اینکه فیلم هاشون رو ببینم، خونده بودمشون، به استثنای کتاب هفتم. کتاب ها رو به ترتیب خوندم. از یک شروع کردم و تا قسمت ششم رو تخته گاز رفتم. متأسفانه برای کتاب هفتم، راهنمایی که بودم نسخه ی فارسیش در دسترس نبود و نسخه ی انگلیسیش رو از یکی از دوستانم گرفتم و شروع کردم به خوندن اما خوندنش زیاد طول کشید و به خاطر تعطیلات نوروز مجبور شدم نصفه به صاحبش پسش بدم و دیگه هم بهم بر نگردوند کتاب رو. دبیرستان که بودم از یه نمایشگاه، کتاب هری پاتر و یادگاران مرگ رو خریدم که شانسم تقلبی از آب در اومد و آخر کتاب، توی نوزده سال بعد، دادلی تبدیل به ولدمورت دوم شد یا یه چیزی تو این مایه ها 😊

بعد از دیدن فیلم هفتم، کتابش با ترجمه ی علی نیلی رو توی hp7 پیدا کردم و بلاخره آخرین قسمت از این مجموعه رو خوندم!

به نظرت کدوم شخصیت کتاب از همه دوست داشتنی تر بود؟ کدوم یکه از همه نفرت انگیز تر؟

من میرتل گریان رو خیلی دوس داشتم. دختر خوبی بود و خیلی به هری اینا کمک کرد و کلا قلب مهربونی داشت. البته توی فیلم، جنس کهنه جای نو بهمون قالب کردن. یکی همسن مادر بزرگ من رو گذاشته بودن نقشش رو بازی کنه، هیچکدومون هم نفهمیدیم! 😊

از همه نفرت انگیزتر هم دلورس آمبریج بود که فقط به فکر جایگاه خودش بود. کلا حزب باد بود این بشر و بیش از کمی هم سادیسم داشت.

شخصیت های کتاب توی فیلم رو چطوری دیدی؟ به نظرت اونا به خوی شخصیت هاشون رو ایفا کردن توی فیلم؟

درکل بازیها قابل قبول بود. برادران ویزلی هم که محشر بودن! شیطننت از سر و ریختشون میبارید اصن! 🙄

کدوم بازیگر رو بیشتر از بقیه توی هفت تا فیلم میپسندی؟

از بازی میرتل گریان بیش از بقیه خوشم اومد. اصلاً باورم نمیشد این بازیگره نوجوون نباشه... خیلی طبیعی بازی میکرد! 😊

کارکتر مورد علاقه ات توی کتاب که بود؟ چرا به این کارکتر علاقه مندی؟

سیوروس اسنیپ. کلا از اول کتاب آدم مرموز و باهوشی بود و من هم از شخصیت‌های مرموز و باهوش خوشم میاد... جریان عشقش به لیلی که مطرح شد، بیش از قبل ازش خوشم اومد حتی!

کتاب های هری پاتر رو به ترتیب علاقه ی خودت مرتب کن.

1. هری پاتر و شاهزاده‌ی دو رگه
2. هری پاتر و محفل ققنوس
3. هری پاتر و یادگاران مرگ
4. هری پاتر و زندانی آزکابان
5. هری پاتر و تالار اسرار
6. هری پاتر و سنگ جادو
7. هری پاتر و جام آتش

سوال قبلی.. اینبار راجب فیلم ها دسته بندی کن و به ترتیب مرتب کن.

1. هری پاتر و محفل ققنوس
2. هری پاتر و زندانی آزکابان
3. هری پاتر و تالار اسرار
4. هری پاتر و سنگ جادو
5. هری پاتر و یادگاران مرگ
6. هری پاتر و شاهزاده‌ی دورگه
7. هری پاتر و جام آتش

به احتمال هزار درصد اهل خوندن کتاب هستی! دی چه کتاب های میخونی؟ چه سبکی و از کدوم نویسنده ها؟

اونقدر ا روی سبک و نویسنده حساسیت ندارم. از خوندن کتابهای فانتزی، داستانی تاریخی، کاراگاهی، عاشقانه و خیلی چیزهای دیگه لذت میبرم. خوندن زندگینامه‌ی افراد مورد علاقه‌ام رو هم دوس دارم. البته به این معنی نیست که کتاب‌های داستانی کلاسیک رو نمیخونم. اینها فقط ترجیحات بودن...

نویسنده ها هم ریچارد ناک و بقیه‌ی نویسنده‌های مجموعه‌ی وارکرافت توی اولویتن اما چندین تا نمایشنامه از ویسنی یک خوندم، چندتا کتاب از جلال آل احمد و وقتی بچه بودم، بیست-سی تا از کتاب های آر ال استاین رو هم خونده بودم.

اهل فیلم یا سریال هم هستی؟ چند تا از فیلم ها یا سریال های خوبی که دیدی رو برای ما بگو

زیاد فیلم نمی‌بینم. ولی بعضی فیلما رو که دیدم، خیلی دوست داشتم. نمونه‌اش فیلم پنجره‌ی مخفی با بازی جانی دپ. سریال هم زیاد نمی‌بینم اونایی که دیدم هم اونقدر ا به مذاقم خوش نیومده‌ان... اگر انیمه هم جزو سریال محسوب میشه، وان پیس!

چه سبک موسیقی رو دوست داری؟

بیشتر به خود آهنگ دقت میکنم تا سبک آهنگ. هم آهنگهای خشن مثل راک رو گوش میکنم، هم آهنگهای آروم و هم آهنگهای ریتمیک. بستگی به موقعیتش داره.

توی زندگیت الگوی داری؟ این الگو کیه؟

شخص خاصی نیست که ازش به صورت کامل تقلید کنم و الگوی خاصی ندارم. یه جورایی ترجیح میدم به قول جلال آل احمد، اوریژینال باشم! 🇮🇷

ورزش مورد علاقه ات چیه؟ اینجوری بگم، چه سبک رو میپسندی بیشتر؟ خشن و رزق، ورزش های با توپ یا فکری؟

کلا از هر چیز که توش رقابت باشه لذت میبرم به شرطی که برنده من باشم! 🇮🇷
ورزشهایی که تا حدی انجام دادم و به نظر خودم توشون یه زمانی بد نبودم (الان دیگه چاق و کُند شدم)، هندبال، فوتبال و شطرنج.

توی وقت های آزادت معمولا چه کار های رو انجام میدی؟

این روزها توی وقت های آزادم فقط میخوابم ولی قبلا کتاب میخوندم و بازی کامپیوتری می دیدم.
نظرت درباره ی شعر و شاعری چیه؟ هر چند وقت یک بار سری به کتاب های شعر از قدیم تا شعر نو میزنم؟
من عاشق شعر هستم. از شعر های قدیمی، شعرهای سعدی رو خیلی دوس دارم. شعر نو هم هیچ کس سهراب نمیشه. متأسفانه به دلیل ضیق وقت نمیتونم زیاد به کتابهای شعر سر بزنم... شاید هر چند ماهی یک یا دو بار سر بزنم. شعرهای پروین اعتصامی هم غوغا میکنن!

بزرگ ترین آرزوت چیه؟ اگه شخصیه می تونیم بریم سوال بعدی!

راستش من کسی نیستم که آرزو های زیادی داشته باشه. تا جایی که یادم میاد، یه آرزوی واقعی داشتم که اون رو هم مدتی بهیچالش شدم...

بزرگ ترین هدف توی زندگت چیه؟

مدال فیلدز بگیرم! 🇮🇷

بریم سراغ سوالات مربوط به ایفای حال و حاضر جادوگران. از کج صوبت کنیم.. هووم... برگردیم زمانه که انتخابات وزارت سحر و جادو شروع شد. برامون بگو چی شد که خودتو کاندید وزارت سحر و جادو کردی؟

راستش من اون موقع یه سری ایده داشتم که میخواستم تلاشم رو برای به انجام رسوندنشون بکنم. پروفیسور دامبلدور و اعضای محفل هم بهم گفتن اگه میخوای اینا انجام بشن، چرا خودت وزیر نمیشی که شخصا بدونی چکار داری میکنی؟! به خاطر همین، برای به انجام رسوندن ایده هایی که داشتم ثبت نام کردم.

برامون از رقیب هات بگو. فکر میکردی کدوم رقیبت میتونه غلبه کنه بهت؟ (جهت یاد آوری: جیگر – هاگرید – فلو – راک وود – ایرما – رودولف محروم – هری – وندلین)

من از همون اول وزارت خودم رو اعلام کرده بودم. تا این حد از خودم مطمئن بودم! 🇮🇷

ولی از بین بقیه، از نظر من جیگر و رودولف شانس بیشتری داشتن. جیگر حمایت اکثریت گریفندور رو پشت خودش داشت و رودولف (قبل از رد صلاحیت) حمایت اکثریت مرگخوارها رو میشد براش در نظر گرفت.

به نظرت چرا رد صلاحیت شدی؟ خب، بین اون همه کاندید های رد صلاحیت شده فکر میکنم تو برنامه هات کامل تر از بقیه بود.

جواب ویزنگاموت این بود که من توانایی مدیریتی کافی رو ندارم و پرونده ی رفتار عمومیم توی سایت مورد تایید نیست!

و جالب اینجاست که تمام اعضای ویزنگاموت بر روی این موضوع اتفاق نظر داشتن!

از این که تو رای نیوردی توی شورای ویزن بگذریم، میرسیم به بحث خود وزارت. به نظرت وزیر محفله میشد چه سودی برای محفل داشت؟ اصلن سودی داشت؟

فکر نمیکنم اونقدر تفاوتی ایجاد میشد. فقط از اذیت کردن جیگر با این موضوع که وزارتش سیاهه، لذت میبرم. 🤔

فکر میکردی آرسینوس جیگر وزیر حال و حاضر بشه؟ خیلے ها انتظار همچین اتفاقی رو داشتند. تو چے؟

آرسینوس بعد از تایید صلاحیت، گذشته از حمایتی که از گریفندوری ها داشت، با رد صلاحیت رودولف، حمایت لرد ولدمورت و مرگخوارها رو هم بدست آورد و با سابقه ای که از خودش نشون داده بود، وزارت از زمان تایید صلاحیت براش تقریبا حتمی به نظر می رسید.

نظرت رو راجع به وزارت فعلی در حد یک سطر الی یک بند بگو برای همه.

نظر خاصی ندارم. فعلا زمان هاگوارتز و وزارتخونه توانایی مانور زیادی رو نداره. باید بعد از پایان هاگوارتز کار هاشون رو دنبال کنیم و اعتراض کش کنیمشون! 🗣️

انتخابات رو هم رد کنیم، میرسیم به بحث های معمولی خودمون. نظارت تالار خصوصی راون برات چه جوریه؟ چرا انقدر براش مایه میزاری؟ (بنده خودم راونم ام و از نزدیک شاهد تمام تلاش های این بشر بودم. راون به خاطر وحید دوباره به جمع گروه ها با تمام قدرت بازگشت.)

این نظر لطفه. راستش ریونکلاو خونه ی منه و دوس ندارم از گروه دیگه ای توی هر چیزی که هست، عقب بیوفته. از کمک کردن به اعضا هم لذت میبرم.

چه سبکی رو برای نوشتن می پسندی؟ طنز، جدی یا حتی طنز وجد

بستگی به وضعیت روحی خودم داره. بعضی وقتا آدم فقط دلش میخواد همز بزنه، اونجاست که طنز می نویسه. و قتایی هم که حس همز زدن رو ندارم، جدی می نویسم. از نظر من طنز وجد همون لحن معمولی کتابهاست. یه لحن جدی که گاهی توش اتفاقات خنده دار رخ میده. طنز نیست، ولی اون جدی خشک که توی سایت می شناسیم هم نیست. اتفاقات خنده دار رخ داده توی این پست ها، برعکس اتفاقات خنده دار پست های طنز، دور از انتظار نیست و اونقدرها هم عجیب نیست.

بهترین تازه وارد سایت رو چه کیسه میدونه؟

جروشامون و مایکل کرنر.

بهترین نویسنده ی سبک طنز رو چه کیسه میدونه؟

لودو بگمن!

بهترین نویسنده ی سبک جدی رو چه کیسه میدونه؟

ویولت بودلر.

برسیم به هاگوارتز... خب وحید، هاگوارتز امسال رو تا آخر جلسه جاری چطوری دیدی؟

راستش ریونکلاو این ترم رو طوفانی شروع کرد. اعضای تالار خصوصیمون توی جلسه ی اول حدود شصت تا تکلیف تحویل دادن که واقعا فوق العاده بود! متاسفانه الان یکم شل کردن و هافل هم داره خودش رو میرسونه. با این حال، این جلسه هم ریونکلاو امتیاز بیشتری رو نسبت به هافلپاف به دست میاره. تنها خواشم از گروه ها اینه که پست هایی که قراره توی کلاسها زده بشن رو دیگه نقد نکنن. این کار با نوشتن رول برای یکی دیگه فرق چندانی نداره و کار جالبی هم نیست...

به نظرت قهرمان چه گروهی میشه؟ (البته در این شک نیست که راون قهرمانه رو آخر ترم جشن میگیره! دی)

اگر ریونکلاو از این شل تر نکنه، قطعاً ریونکلاو!

تا الان راون با اختلاف نسبتاً خوبی جلوئه و اسل و گریف در تعقیب ها هستند از نظر امتیازی توی جلسه اول ولی تلاش عجیب و سخت کوشانه ی هافلپاف ها رو باید تحسین کرد توی جلسه جاری! به نظرت کدوم گروه رقیب سرسخت ریونه و مانع اصلی ریون توی راه قهرمانه؟

هافلپاف خیلی با انگیزه داره پیش میاد و اعضای جدیدی مثل آریانا بهش نقل مکان کردن. به نظر من، توی این ترم، شانس این که ریون اول و هافل دوم بشه خیلی زیاده.

خودت یکه از اساتیدی. دیگر اساتید رو در چه سطحی میدونه؟ قطعاً همه ی اساتید از سطح بالای برخوردارن ولی به نظرت بهترین استاد چه کیسه بوده تا به حال؟

استادها همینجور در حال تغییرن. هرکس رو بگم یهو می بینی فردا ول می کنه و میره... ولی من تا الان تدریس جیمز پاتر رو بیشتر از بقیه دوست داشتم.

جام آتش رو چطور دیدی؟ وندلین با دو امتیاز از نماینده ی ریون جلوئه و بعدش هم آلبوس و ناریسا هستند. نظرت راجع به جام آتش و ایده ی مرحله اول چیه؟

ایده ی خیلی خوبی بود و رقابت نزدیکی بین فلور و وندلین وجود داشت. در کل مرحله ی اول خیلی خوب برگزار شد و رقابت نزدیکی بود.

به نظرت با رفتن سیریوس بلک عزیز از ایفا (به امید بازگشت سیریوس بلک عزیز به ایفا) چه کیسه قراره جام رو اداره کنه؟

تا آخرین باری که در جریان بودم، هنوز کسی مسئولیتش رو تقبل نکرده بود و گفته بودن ممکنه کلا کنسل بشه.

اگه صحیته درباره ی هاگ و متعلقاتش داری بگو، همه دوست دارن بشنون!

قلعه ی هاگوارتز به گروه های چهارگانه تعلق داره و به نظر من، بهترین کار اینه که گروه ها بجز ترم هاگوارتز، مسابقات دیگه ای رو هم با همدیگه داشته باشن. نباید بیش از حد مسابقه برگزار کرد که خسته کننده بشه ولی هر چند وقت یکبار، برای اعضا انگیزه میکنه. مخصوصا برای تازه واردها.

نظرت رو درباره ی این موارد "در یک کلمه" بگو:

ویزنگاموت: دست های پشت پرده

ریونکلاو: خونه

جادوگران: سایت خودمون

رودولف: دوست بی اعصاب من.

آنتونین: متفاوت

آلبوس: سرور محفل

محفل: خونه ی دوم

ریتا: انگیزه

لرد: بزرگ مرگخوارها

هری: پسر خوب و مودبیه

بیدل آوازه خوان: یادمه توی شعر فارسی هم یه بیدل داشتیم... خیلی جالبه ها! 

لینه وارنر: افتخار جاودان ریونکلاو!

گلرت گریندل والد: تنبل!

تسترال: خفن ترین موجودی که تا به حال تبدیل به جوک شده

با کلمات زیر جمله بساز:

ویزنگاموت: اگه قراره ویزنگاموت در مورد کسی داوری کنه، باید اون ماسکش رو برداره که اعضا ببینن کی داره داوری میکنه و آیا خود اون شخص صلاحیت داوری رو داره یا خیر.

ریونکلاو: هیچ جا مثل کنار شومینه ی ریونکلاو نمیشه.

جادوگران: «[جادوگران](#)» اولین و بزرگترین وبسایت فارسی زبان هواداران کتابها و فیلمهای «هری پاتر» است

رودولف: رودولفوس لسترانج و قمه در برابر ویولت بودلر و آچار شلاقی! 🏰

آنتونین: آنتونین قراره واسه یه مدت ریونکلای بشه!

آلبوس: آلبوس دامبلدور رو همیشه آورد ریونکلای؟! 🤔

محفل: سبک فعالیت محفلی ها با مرگخوارا فرق میکنه.

ریتا: ریتا رو بردن جهنم، گفت هیزمش تره!

لرد: چیزی که این چند وقته زیاد شده، لرد و اربابه! 🏰

مے رسیم به تریبون آزاد.. هر چه دل تنگت مے خواهد بگو!

دوتا حرف دارم. اول اینکه:

اگر قراره گروهی در مورد گروه دیگه ای از کاربرها داوری کنن، اون گروه باید اعضاش مشخص باشن. وقتی چهارنفر که نمیدونیم کی هستن دارن تایید یا رد صلاحیت میکنن افراد رو، از کجا مطمئن باشیم که خود این افراد صلاحیت دارن؟! از کجا مطمئن باشیم که ممد پاتر و ممد ریدل رو نداشتن اونجا چون رفیق جعفر ازدها رییس فلان بخش سایته؟!

همه چیز باید شفاف باشه تا در صورت وجود اشکال، اعضا بتونن اعتراض کنن.

دوم:

راستش بعضی از نویسنده‌های اینجا انتظار دارن نوشته‌ها بدون هیچ نکته‌ای باشه. من خودم شخصا (با اینکه هنوز از نظر نویسندگی کسی محسوب نمیشم) دیدگاهم اینه که قرار نیست همه ی سوالات پاسخ داده بشن. بعضی چیزها رو باید به عهده‌ی خود خواننده گذاشت که درک کنه. با توجه به چیزی که از تعریف رول توی خاطرمه، قرار بود مسیری رو طی کنه. فقط همین! حتی لازم نیست از جایی شروع بشه یا جایی تموم بشه. همین مسیری که طی میشه مهمه.

من رول مسابقه‌ی فلور دلاکور رو که خوندم، با توجه به اشاره‌هایی که نویسنده کرده بود، متوجه شدم که جاودان در واقع همون شخص خود نویسنده‌اس. کسی که قلم به دست داره و با اون جادو می‌کنه، کسی که شخصیت فلور دلاکور رو ساخته، چه کسی بجز شخص پشت فلور دلاکور میتونه باشه؟!

از نظر من، لازم نیست همه‌ی اطلاعات رو آماده توی دهن خواننده بذاریم. گاهی لازمه به خواننده هم اجازه بدیم یه سری چیزها رو خودش متوجه بشه.

اگه سواله رو دیدی که من توی لیست سوالاتم نداشتم و فکر مے کنه نیازه که به اون سوال جواب بدی، سوال

رو مطرح کن و جواب خودت رو هم بده!

سوال های جا افتاده ی اعضا:

لادیسلاو زاموژسلی:

اصلی ترین تفریح چیه؟ سایت؟ بازی؟ فیلم؟ کارتون؟ کتاب؟ موسیقی؟ ورزش؟ یا هرچیز دیگه؟

بعد از سایت جادوگران، اگر وقت کنم، یا کتاب میخونم یا بازی کامپیوتری انجام میدم.

کدوم کتاب داستانی رو که خوندی بیشتر دوست داری؟

کتاب شاهزاده شیر و راز گل سرخ رو وقتی راهنمایی بودم خوندمش و خیلی هم دوستش داشتم. اون موقع کتابی بود که بیشتر از همه به مذاقم خوش اومد. داستانش یه تعریف دیگه ای از داستان معروف دیو و دلبره. این کتاب از دید دیو داستان ما که در واقع یه شاهزاده ی ایرانی بوده. نویسنده ی کتاب، خارجییه ولی همه چیز رو خیلی خوب در مورد خاندان سلطنتی ایران باستان نوشته و از خوندنش خیلی لذت بردم.

اگه قرار بود به یکی از دنیاها ی افسانه ای (سرزمین میانه، نارنیا ، هاگوارتز و...) بری کدوم رو انتخاب می کردی؟

آزراث

اگه خدایی نکرده بعد از دو میلیون سال به ملکوت اعلا بپیوندی دوست داری روی سنگ مزارت چی بنویسن؟

به سراغ من اگر می آیی
نرم و آهسته بیایی
تا مبدا که ترک بردارد
چینی نازک تنهائی من

از خریدن چه چیزی تاحالا خیلی پشیمون شدی؟

ناز بعضیا

عجیب ترین اسمی که شنیدی چیه (البته غیر از اسم من)؟

توی تلویزیون داشت عجیب ترین اسمهایی که خانواده ها توی ثبت احوال روی بچه هاشون گذاشته بودن رو میخوند، وسطش کی‌بورد و اسپیکر هم بود! کی‌بورد!

مهم ترین اصل به نظر تو چه اصلی هستش؟

اصل انتخاب!

شاید فکر کنید می‌تونید موضوع این اصل رو از اسمش حدس بزنید، ولی نمی‌تونید! 😊

اصل انتخاب چیزیه که اگه نبود، در مورد نصف ریاضیات توی مجموعه‌های با تعداد اعضای نامتناهی، کسی نمیتونست نظری بده.

به نظرت اساتید هاگوارتز جادوگران اگر به جای اساتید دانشگاهت بودند چی می شد؟



همه ی درسهام بیست میشد!

چه قدر اهل بازی هستی؟



اگه وقتش رو داشته باشم، گیمری هستم واسه خودم!

بهترین بازی ای که تو عمرت بازی کردی چی بوده؟

بازی کامپیوتری:

Joan of Arc

این بازی هم سوم شخص بود، هم استراتژیک، هم داستانش رو دوست داشتم.

شاید بهترین نبود ولی جزو بازیهایی بود که خیلی ازش لذت بردم.

بازی کنسول:

Final Fantasy VII: Crisis Core

اگه کلاه گروه بندی هاگوارتز رو داشتی باهاش چی کار می کردی؟



میفروختمش، کلی پول به جیب میزدم!

از چه کلمه ای خیلی بدت می آد؟

نود و دو پرین.

تا حالا از کسی معذرت خواهی کردی که بعد از معذرت خواهی کردنت پشیمون بشی؟

بله.

آنتونین دالاهوف:

تا حالا شده فال بگیری؟



جوون تر که بودم، خواجه حافظ ازم چارتا بچه داشت!

آریانا دامبلدور:

جز راون الان بخوای بری تو یه گروه دیگه کدوم رو انتخاب می کنی؟

هیچکدوم. علاقه ای به امتحان کردن گروه های دیگه ندارم.

یکی از بهترین دوستات تو سایت؟

دوتا میگم. لینی وارنر و فلور دلاکور.

دوست داری مرگخوار بشی؟

نه، كلا هيچ وقت نتونستم رفتار مرگخوارها رو داشته باشم و توی ایفا هم داشتن یه ارباب برام آسون یا خوش آیند نیست.

چرا همه می گن گلرت رو اعصابه و خودت هم قبول داری؟ لطفا از اعصاب ما پیاده شو! 🤪
چون گلرت از روی اعصاب بقیه بودن لذت میبره. حالا حالاها هم قصد پیاده شدن ندارم... 🤪

وینکی:

هاگ امسال رو چجوری میبینی؟ بهتره یا بدتر؟ دنبال میکنی اصلا؟

هاگ امسال رو به عنوان فرصت ریونکلاو برای تک گروه با بیشترین قهرمانی میبینم. برای ریونکلاو از هاگ قبلی بهتره و اینکه، بله، من تمام پست های زده شده توی هاگ رو دنبال میکنم. حتی اونایی که مال گروه ریونکلاو نیستن رو.

5تا از بهترین انیمه/فیلم/بازی/کارتون هایی که کردی/دیدي؟

بازی:

قلعه (Stronghold) سری بازیهایش البته.

Joan of Arc

بازیهای شرکت توتال وار

Final Fantasy VII: Crisis Core

Anime Pirates

انیمه و کارتون:

وان پیس

شهر اشباه

قلعه‌ی متحرک هاول

شاهزاده مونونوکه

زنان کوچک 🤪

لینی وارنر:

چرا از بدو ورودت گروه ریونکلاو رو انتخاب کردی؟ چون خلیامون حتی خود من، تحت تاثیر کتاب، اکثرا گریف یا اسلی رو انتخاب میکنیم. حالا تو بگو، چرا گریف و اسلی نه؟ چرا ریون؟ خلاصه که تاریخچه ورودت به ریون رو بگو. 🤔

دلیل ورودم به ریونکلاو رو بالا توضیح دادم ولی داستانش این بود من یه مدتی بدون گروه بودم و تازه داشتم با سایت آشنا میشدم اون زمان یه تایپیک پیدا کردم که توش نوشته بود اگر کلاه گروهبندی رو روی سرتون بذارید، توی کدوم گروه می افتید؟ من هم نوشتم ریونکلاو. فکر میکنم فردای اون روز بود که سه تا پیام شخصی داشتم که توش من رو به ریونکلاو دعوت کرده بودن. فکر میکنم از طرف لینی وارنر، دافنه گرینگراس و آماندا بروکلهرست بودن ولی کاملاً مطمئن نیستم. من که از خدام بودم، رفتم و درخواست عضویت ریونکلاو رو دادم و رسماً یه ریونکلاوی شدم.

پیرو سوال قبلی، نظرتو در مورد گروه‌های چهارگانه هاگوارتز، هم تو کتاب و هم تو سایت بگو.

توی کتاب، اول از همه ریونکلاو رو دوست داشتم، بعدش اسلیترین رو. ریونکلاو گروه آدم‌های باهوش بود و اسلیترینیا همه آدم‌های اصل و نسب دار و همچنین زیرکی بودن. هافلپافی‌های کتاب، آدم‌های سختکوش و خوش قلبی بودن و وفادار به دوستاشون. و گریفیندوری‌ها هم یه مشت بچه پرو که ادعای شجاعتشون میشد. 🤔

توی سایت، گریفندور و ریونکلاو بیشتر از بقیه‌ی گروه‌ها به کتاب وفادارن. توی سایت، از چیزی که من می‌بینم، اسلیترینی بودن، یه جورایی سیاه بودن معنی میشه و هافلی بودن... راستش دقیقاً نمیدونم چی معنی میشه. البته کسی منکر سختکوشی هافلی‌ها نیست ولی متأسفانه از نظر من هافلپاف اونقدرها توی سایت پررنگ نیست که نماد چیزی بتونه باشه.

شنیدم (🤔) که تو مدرسه معلومات معتقد بودن تو باید رشته ریاضی بخونی. چرا؟

راستش توی مدرسه به خاطر درک بالایی که نسبت به اکثر مسائل داشتم، تقریباً همه‌ی سوال‌های ریاضی رو سر کلاس جواب میدادم. واسه همین معلم‌ها میگفتن استعداد ریاضی داری و ریاضی رو ادامه بده.

الان رشته ت ریاضیه... کنجاوم بدونم وقتی انتخاب رشته میکردی ریاضی از گزینه‌های جدیت بود؟ یا جزء گزینه‌های آخرت بود که اگه بقیه نشد این؟

قاعدتاً اولویت اولم ریاضی نبود. کلاً خانواده‌ها دوس دارن بچه‌هاشون مهندسی برن تا تو در و همسایه بگن مهندس اومد و از این حرفا. من هم رشته‌های مهندسی روزانه‌ی چندتا دانشگاه گردن کلفت رو زدم و بعد از اون‌ها ریاضی رو گذاشتم. البته همون زمان هم ریاضی رو خیلی دوست داشتم ولی حس میکردم رشته‌های مهندسی کلاسشون بیشتره...

اگه تو سوال قبلی جواب بله (O_o) بوده، میشه بگی چرا؟ چرا باید یکی ریاضی، فیزیک، شیمی یا امثالهم رو بعنوان گزینه جدی و مورد علاقه‌ش بذاره؟

(البته الان که رشته خودم وابستگی شدیدی به ریاضی داره به شیرینی رشته ریاضی پی بردم، ولی قبل از ورود به دانشگاه تصورات بدی داشتم!)

معمولاً آدم‌ها چیزایی رو دوس دارن که بلدن انجامش بدن. و از چیزایی بدشون میاد که توانایی انجامش رو ندارن. البته چیزهای دیگه‌ای مثل دیدگاه کلی جامعه در مورد یک چیز، بر روی دیدگاه افراد از

اون چیز هم تاثیر گذاره ولی من از حل کردن مسائل ریاضی لذت می‌بردم و به همین دلیل به عنوان یه گزینه ی جدی بهش نگاه می‌کردم.

از تصورات قبل از ورود به دانشگاه بگذریم، حالا از رشته ت راضی هستی؟ واسه فوق و احیاناً دکتری، بازم قصد داری تو همین رشته ادامه بدی یا میری سراغ رشته ی دیگه ای؟ یا قصد ادامه تحصیل نداری؟ 🤔

ناراضی نیستم. ترجیح میدم برای ادامه تحصیل هم توی همین رشته ادامه بدم. البته از منطق هم خیلی خوشم میاد و به چیزهای عددی ترجیحش میدم...

تحصیلات رو هم تا دکترا قصد ادامه دارم ولی زندگی همیشه اونجوری نیست که انتظارش رو داری. ممکنه مشکلاتی پیش بیاد که برای همیشه متوقف بشی...!

نظرت راجع به قلم پر با مدیریت جدید چیه؟ دی

خیلی بوقه! 🤔

دوست داری مهمون بعدی قلم پر چه کیسه باشه؟

لُردک! 🤔

کلام آخر؟

به عنوان کلام آخر از همه ی اعضا میخوام که سعی کنن با همدیگه دوست باشن. سعی کنن از به وجود اومدن کدورت ها جلوگیری کنن و اگر حرفی میخوان بزنین، با لحن یا الفاظ زننده این کار رو نکنن.

وحید عزیز.. امیدوارم همیشه در همه ی مراحل زندگه موفق باشی!

با آرزوهای فراوان

کامبیز